

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه معارج

استاد ضرابی

مرداد-آبان ۱۴۰۱

جلسه هشتم ۱۴۰۱/۸/۱

آیات شریفه: «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (۴۰) عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۴۱) فَذَرُهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ (۴۲) يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَتْهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ (۴۳) خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُفُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)» - (هرگز) به پروردگار خاوران و باختران سوگند یاد می کنم که ما تواناییم (۴۰) که به جای آنان بهتر از ایشان را بیاوریم و بر ما پیشی نتوانند جست (۴۱) پس بگذارشان یاوه گویند و بازی کنند تا روزی را که وعده داده شده اند ملاقات نمایند (۴۲) روزی که از گورها (ی خود) شتابان برآیند گویی که آنان به سوی پرچم های افراشته می دوند (۴۳) دیدگانشان فرو افتاده (غبار) مذلت آنان را فرو گرفته است این است همان روزی که به ایشان وعده داده می شد (۴۴)»

### عنوان: ما چو ناییم و نوا در ما ز تست!

در آیات قرآن مجید تعبیر مشرق و مغرب به صورت جمع، تثنیه و مفرد بکار رفته است؛ مانند آیه ۴۰ سوره معارج: «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ» «امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «... قَالَ لَهَا ثَلَاثُمِائَةٍ وَ سِتُّونَ مَشْرِقًا وَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ سِتُّونَ مَغْرِبًا فَيَوْمُهَا الَّذِي تُشْرِقُ فِيهِ لَا تَعُودُ فِيهِ إِلَّا مِنْ قَابِلٍ وَ يَوْمُهَا الَّذِي تَغْرُبُ فِيهِ لَا تَعُودُ فِيهِ إِلَّا مِنْ قَابِلٍ» - عبدالله بن ابی حماد در حدیث مرفوعی از امام علی (علیه السلام) آورده است که درباره این آیه: «رَبِّ الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ» فرمود: «[خورشید] دارای سیصدوشصت مشرق و سیصدوشصت مغرب است و روزی که در آنجا طلوع می کند به آن نقطه باز نخواهد گشت، مگر در سال آینده، و روزی که در آنجا غروب می کند به آن نقطه باز نخواهد گشت، مگر سال آینده» (معانی الأخبار، ص ۲۲۱)

ای همه هستی ز تو پیدا شده      خاک ضعیف از تو توانا شده  
زیرنشین علمت کاینات      ما به تو قائم چو تو قائم بذات

سید هبة الدین شهرستانی می گوید: «این آیه دلالت دارد بر کثرت مشرق ها و مغرب ها و کرویت زمین نیز مستلزم آن است که در هر نقطه از زمین برای گروهی دیگر مغرب باشد. پس کثرت مشارق و مغارب با قول به کرویت زمین سازگار می باشد.» (پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۱۸۸ و ۱۸۹)  
یعنی اگر زمین مسطح بود تنها یک مشرق و مغرب وجود داشت ولی جایی که زمین کروی باشد لازم است دارای مشرق ها و مغرب ها باشد چرا که در این صورت با چرخش مشرق و مغرب مکان ها تفاوت می کند. و درباره آیه ۱۷ سوره الرحمن: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» در کره زمین خورشید از مشرق طلوع و در مغرب غروب میکند و این نتیجه حرکت وضعی زمین دور محور خود که عمود بر مدار حرکت زمین به دور خورشید است؛ از میان سیصدوشصت مشرق و سیصدوشصت مغرب، دو مشرق و دو مغرب، ممتاز است که یکی در آغاز تابستان، یعنی حد اکثر اوج خورشید در مدار شمالی، و یکی در آغاز زمستان یعنی حد اقل پائین آمدن خورشید در مدار جنوبی است (که از یکی تعبیر به مدار رأس السرطان و از دیگری تعبیر به مدار رأس الجدی می کنند)، علاوه بر این دو مشرق و دو مغرب دیگر که آنها را مشرق و مغرب اعتدالی می نامند (در اول بهار و اول پائیز هنگامی که شب و روز در تمام دنیا برابر است) نیز مشخص می باشد؛ بنابراین مفهوم آیه چنین می شود: «پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب» و مانند آیه ۱۱۵ بقره: «و

لَهُ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ» که معنی جنس را دارد و توجّه، تنها روی اصل مشرق و مغرب است بی آنکه نظر به افراد داشته باشد، مشرق و مغرب از آن خدا است. همچنین در آیه «قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (شعراء/۲۸) سیاق این آیه شریفه نشان می‌دهد که مراد از «مشرق» آن طرفی است که آفتاب و سایر ستارگان آسمان، طلوع می‌کنند و مراد از «مغرب» آن طرفی است که در آن طرف غروب می‌کنند (بر حسب حس ظاهری ما)، و مراد از «مَا بَيْنَهُمَا»، ما بین مشرق و مغرب است که شامل همه عالم محسوس می‌شود. براین اساس آفرینش خورشید، سیارات و ستارگان و کره زمین با آن همه اسرارش، و نظم دقیق و حساب شده و اینکه هر روز خورشید از مشرق تازه ای سر بر می‌آورد، و در مغرب جدیدی سر فرو می‌برد، دلیل روشنی بر قدرت لایزال الهی است، پس توانایی این که خداوند گروهی سرکش را ببرد و انسان‌های دیگری، بهتر از آنها را بیاورد، سهل و آسان است.

همه آفریدست بالا و پست      تویی آفریننده هر چه هست

همانگونه که در آیه شریفه می‌خوانیم: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْيَتَيْنِ ... - و از تو درباره ذوالقرنین می‌پرسند بگو به زودی چیزی از او برای شما خواهیم خواند. ما در زمین به او امکاناتی دادیم و از هر چیزی وسیله‌ای تا راهی را دنبال کرد، تا آنگاه که به غروبگاه خورشید رسید به نظرش آمد که خورشید در چشمه ای گل آلود و سیاه غروب می‌کند و در آن حوالی طایفه ای را دید، گفتیم ای ذوالقرنین عذاب می‌کنی یا در میانشان نیکویی، گفت هر کس ظلم کند عذاب می‌بیند و کسی که ایمان بیاورد و عمل نیکو بجای آورد جزایش حسنه است (یک قانون و امر تدوین شده خداوند است). از همان سبب که در اختیار او قرار داشت تبعیت کرد تا به جایگاه طلوع خورشید رسید و خورشید را دید که بر قومی طلوع می‌کرد که در برابر نور آن آسیبی نمی‌دیدند (پوششی در برابر نور خورشید برایشان قرار ندادیم) ...» (کهف/۳۸)

خلاصه این سه وجه (مفرد و تثنیه و جمع مشرق و مغرب) در روایتی آمده است که ابن الکواء از امام علی (ع) پرسید: ای امیر المؤمنین! من برخی آیات قرآن را ناقض هم یافته‌ام. «فرمود: آیات کتاب خدا همه‌اش تصدیق کننده هم است، نه ناقض و ردّ کننده هم! هرچه به خاطرت می‌آید بپرس!» گفت: ای امیر المؤمنین! در آیه‌ای می‌فرماید: «بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ»، و در دیگری فرموده: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» و در جای دیگر فرموده: «قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ؟!» امام (ع) فرمود: «ای ابن کواء! این مشرق است، این هم مغرب، و اما آیه رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ به تحقیق که مشرق زمستان بر حدی و مشرق تابستان نیز بر حدی است، آیا این را از دوری و نزدیکی آفتاب در نمی‌یابی؟ و اما آیه: «بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ» بدان که ۳۶۰ برج وجود دارد، هر روز خورشید از برجی حاضر و در برجی دیگر غایب می‌شود، و فقط در سال دیگر در همان روز به همان برج باز می‌گردد» (بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۲۲)

همچنین افق گسترده‌تری نسبت به مفهوم ظاهری آیه در فرمایش امام صادق (علیه السلام) مطرح شده است؛ که البته با آنچه در تفسیر ظاهر این آیات بیان شده منافات ندارد. آنجا که می‌فرماید: «الْمَشَارِقُ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْمَغَارِبُ الْأَوْصِيَاءُ (عليهم السلام) - الْمَشَارِقُ همانا پیامبران (عليهم السلام) هستند و الْمَغَارِبُ همانا اوصیاء (عليهم السلام) و جانشینان هستند.» (بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۷)

شود این مقتدای هر دو عالم      خلیفه گردد از اولاد آدم

مطابق این فرمایش انسان به حسب خلقت طوری آفریده شده است که بتواند از زمان اولین و برترین پیامبران الهی از ابتدای آفرینش تا آخرین اوصیاء الهی در زمان پایان زندگی‌اش بر روی کره خاکی، منزلت و مرتبتی به فراخور استحقاق و شأن خود بدست آورد؛ آیات سوره مبارکه شمس این معنا را با صراحت تاکید می‌کند «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا \* وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا - و سوگند به نفس و آنکه آن را درست و نیکو نمود، پس بزه کاری و پرهیزکاری اش را

به او الهام کرد. بی تردید کسی که نفس را [از آلودگی پاک کرد و] رشد داد، رستگار شد. و کسی که آن را [به آلودگی ها و امور بازدارنده از رشد] بیالود [از رحمت حق] نومید شد» بنابراین خداوند به انسان توانایی بخشیده تا علم نافع کسب کند، و عمل صالح بجا آورد، بر همین اساس است که صفوف فراوانی از انبیاء و صالحان و صدیقین و شهداء و عالمان و مجاهدان راه خدا در منازل قرب الهی جا گرفته‌اند، (و البته به همین ترتیب است در مراتب شقاوت و دوری از خدا)؛ و شاید به جهت همین سنت الهی در طی میلیون‌ها سال است که پروردگار حکیم می‌فرماید: «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ... - آن قوم را که مستضعف بودند، وارث مشرق‌ها و مغرب‌های سرزمینی ساختیم که به آن برکت بخشیده بودیم، و (بدین گونه) به خاطر صبری که کرده بودند و عده نیکوی پروردگارت در حق بنی اسرائیل تحقق یافت و آنچه فرعون و قومش ساخته و برآورده بودند، نابود کردیم» (اعراف/ ۱۳۷) (اشاره به مشارق الارض و مغاربها در این آیه شرق و غرب زمین فلسطین است که مرکزیت جهان آن روز بود.)

پدیدار سازیم خلقی جدید  
نمائیم از اینها نکوتر پدید  
نبودست بر هیچ شخصی سزا  
که سبقت بگیرد ز فرمان ما

### عنوان: چه کسانی تا رسیدن به عذاب به حال خود رها می‌شوند!

«فَرَّهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ- پس بگذارشان یاوه گویند و بازی کنند تا روزی را که وعده داده شده اند ملاقات نمایند.» امام علی (ع) می‌فرماید: «همانا دشمن ترین مردم نزد خدا کسی است که معبود او را به حال خود وا گذاشته است و از راه راست منحرف شده. اگر به کارهای دنیایی دعوت شود، با نشاط آن را انجام دهد و وقتی نوبت به کارهای آخرت می‌رسد، کسل است.» (احسن الحديث، ص ۴۲) و خداوند به مومنان هشدار می‌دهد مانند آنها نباشید؛ «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ- از آن کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز چنان کرد تا خود را فراموش کنند، ایشان نافرمانند.» (حشر/ ۱۹)

در نهج البلاغه آمده است که حضرت علی (علیه السلام) در تشییع جنازه مؤمنی شرکت نموده بودند، ناگهان صدای بلند خنده کسی را شنیدند، حضرت (علیه السلام) ناراحت شدند و فرمودند: «گویی مرگ برای غیر ما مقرر شده و حق (تنها) بر دیگران واجب شده است، و گویی (این) مردگانی را که می‌بینیم (مثل) مسافرانی هستند که به زودی به سوی ما باز می‌گردند ... ما آنها را در قبرشان می‌گذاریم و میرانشان را می‌خوریم، گویی بعد از آنها عمر جاودان داریم.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۲) رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز فرمودند: «أَغْفَلَ النَّاسُ مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالِ إِلَى حَالٍ- غافلتان مردم کسی است که از دگرگونی‌های دنیا پند نگیرد.» (بحار الأنوار: ۲/۱۱۲/۷۷) «ان الذین لایرجون لقاءنا و رضوا بالحیة الدنیا و اطمأنوا بها و الذین هم عن آیاتنا غافلون\* اولئک ماواهم النار بما كانوا یکسبون - آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند و آنها که از آیات ما غافلند (همه) آنها جایگاهشان آتش است، به خاطر کارهایی که انجام می‌دادند!» (یونس/ ۷-۸) «یعلمون ظاهرا من الحیة الدنیا و هم عن الآخرة هم غافلون - آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت (و پایان کار) غافلند!» (روم/ ۷)

ای به غفلت گذرانیده همه عمر عزیز  
تا چه داری و چه کردی، عملت کو و کدام؟  
توشه آخرتت چیست در این راه دراز  
که تو را موی سفید از اجل آورد پیام  
می‌توانی که فرشته شوی از علم و عمل  
لیک از همت دون ساخته ای با دد و دام

«يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَتْهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُوفِضُونَ ... - (روزی که از گورها(ی خود) شتابان برآیند گویی که آنان به سوی پرچم های افرشته می‌دوند.» امام سجّاد (علیه السلام) فرمود: «سپس خدا امر می‌فرماید که زنده شوند. جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملین عرش به فرمان خدا

زنده می‌شوند. و خدا به اسرافیل فرمان می‌دهد که صور را بردارد. بعد به روح‌های آفریدگان فرمان می‌دهد که در صور وارد شوند، خدا به اسرافیل فرمان می‌دهد که در صور برای زنده‌شدن بدمد، فاصله دو نفخه صور چهل سال است. «فَتَخْرُجُ الْأَرْوَاحُ مِنْ أَثْقَابِ الصُّورِ كَأَنَّهَا الْجَرَادُ الْمُنتَشِرُ قَتْمَلًا مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» پس ارواح مردم از سوراخ‌ها مانند ملخ‌های پراکنده بیرون می‌آیند. و بین زمین و آسمان پر می‌گردد. «فَتَدْخُلُ الْأَرْوَاحُ فِي الْأَرْضِ إِلَى الْأَجْسَادِ وَ هُمْ نِيَامٌ فِي الْقُبُورِ كَالْمَوْتَى فَتَدْخُلُ كُلُّ رُوحٍ فِي جَسَدِهَا» روح‌ها در زمین وارد پیکر‌ها می‌شوند. درحالتی که بدن‌ها در گورها خوابیده‌اند. هر روحی وارد پیکر خود می‌گردد. و روح در بینی‌های آنان داخل می‌شود و به فرمان خداوند متعال زنده می‌شوند و از گورستان بیرون می‌آیند چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید. يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ. (إرشادالقلوب، ج ۱، ص ۵۵)

اگر پرسیده شود مقصود از «كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ» پرچم‌های افراشته چیست که به سوی آن می‌دوند؟ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «[هر گروه را] با کسی که از او در دنیا پیروی می‌کردند [فرا می‌خوانند]؛ «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»: امام علی (علیه السلام) با [مردم] دورانی که در آن زندگی می‌کرد، امام حسن (علیه السلام) با [مردم] دورانی که در آن زندگی می‌کرد و امام حسین (علیه السلام) با [مردم] دورانی که در آن زندگی می‌کرد فرا خوانده می‌شوند و [در ادامه] امام صادق (علیه السلام) «وَ عَدَدَ الْأَيَّامَةِ ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ دَهْرِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً - تک‌تک امامان (را بر شمرد و آنگاه فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده: «کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است» (مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۱۸۲)

در اینجا جا دارد هر یک از مؤمنین از خود سؤال کنند آن کسی که عملاً در زندگی خود از او پیروی می‌کنند، کیست؟ عمر بن ابان گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) فرمود: «امام خود را بشناس که چون او را شناختی زبانی به حال تو نخواهد داشت که این کار [فرج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] پیش بیفتد یا پس؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ پس هر کس امام خود را شناخت مانند کسی است که در خیمه قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد» (الکافی، ج ۱، ص ۳۷۲)

امام سجّاد (علیه السلام) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ ... - خدایا! تو دین خود را در هر زمان به امامی تأیید کردی، که او را علمی برای بندگانت و چراغی در شهرهایت قرار دادی، و این پس از آن بود که رشته او را به رشته عنایات خویش پیوستی، و او را وسیله دست یافتن به رضوان خود ساختی، و فرمانبرداری از او را واجب و نافرمانی اش را ممنوع شمردی، و فرمان دادی که به او امر او گردن نهند و از آنچه نهی کند دست باز دارند، و هیچ کس بر او پیشی نجوید و از او دور نیفتد.» (المصباح للکفعمی، ص ۶۷۴)

محشور می‌شویم قیامت چو با حسین جای سلام جمله بگوئیم "یا حسین" «خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرَاهُمْ ذَلَّةً ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ - دیدگانشان فرو افتاده (غبار) مذلت آنان را فرو گرفته است این است همان روزی که به ایشان وعده می‌شد.»: وقتی انسانی با اصل و حقیقت انسانیت که باید آن گونه می‌بود روبرو گردد، مانند زشت رویی که در کنار زیبایی قرار گرفته، به ذلت و خواری گرفتار خواهد شد؛ چرا که خدا او را بی‌نقص و عیب آفریده و این خود او بوده که با ظلم به نفس، خود را چنین تباه ساخته است.

آخرین آیه این سوره شریفه با اولین آیه «سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ \* لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ...» از جهت محتوا (محور اصلی سخن در سوره) چنین تطبیق می‌کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «أَخْرَجُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ عَلَى بَيْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) أَمَامِي وَ بِيَدِهِ لَوَاءُ الْحَمْدِ ... - روز

قیامت ظاهر می‌شود درحالی‌که علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) روبروی من است و پرچم حمد در دست اوست ... مردی بادی‌نشین از اهل [قبیله] نجد از فرزندان جعفر بن کلاب بن ربیعہ برخاست و به‌سویش رفت و گفت: «مرا فرستاده‌اند تا از تو بپرسم». پیامبر (ص) فرمود: «ای برادر بادی‌نشین بپرس!» ... علی (علیه السلام) نسبت به من مانند سر من نسبت به بدنم است ... مرد با عصبانیت برخاست و گفت: «ای محمد (صلی الله علیه و آله)! من از علی (علیه السلام) نیرومندترم. آیا علی (علیه السلام) می‌تواند پرچم حمد را حمل کند؟» «قَالَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله) مَهْلًا يَا أَعْرَابِي فَقَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِصَالًا شَتَّى حُسْنُ يُوسُفَ وَ زُهْدُ يَحْيَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ وَ طَوْلُ آدَمَ وَ قُوَّةُ جِبْرِئِيلَ (علیه السلام) ... - پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای بادی‌نشین آهسته! خداوند روز قیامت به او ویژگی‌های گوناگونی داده است، [مانند] زیبایی یوسف، زهد یحیی، صبر ایوب، بلندی قد آدم (علیهم السلام) و قدرت جبرئیل. و در دست او پرچم حمد است و همه خلائق زیر پرچم او هستند و امامان و مؤذنان با تلاوت قرآن و اذان او را احاطه می‌کنند و آن‌ها کسانی هستند که [بدنشان] در قبر هایشان فاسد و پراکنده نمی‌شود ...». «بادی‌نشین با عصبانیت برخاست و گفت: «خدایا! اگر آنچه محمد (صلی الله علیه و آله) گفت حق است، سنگی بر من فرو فرست». خداوند دربارهی او فرمود: سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» (بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۱۶)

از دیگر مصادیق این آیه شریفه به فرموده امام باقر (علیه السلام)، عصر نزدیک به وقوع قیامت یعنی عصر ظهور است «عَنْ يَحْيَى بْنِ مَيْسَرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ خَائِشَةً أَبْصَارُهُمْ تَرَاهُمْ ذَلَّةً ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ قَالَ يَعْنِي يَوْمَ خُرُوجِ الْقَائِمِ (عجل الله تعالى فرجه الشريف) - یحیی بن میسر از امام محمد باقر (علیه السلام) دربارهی این آیه شریفه روایت می‌کند که فرمود: «منظور از این آیه، روز ظهور امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) است» (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۰)

|                                    |                                 |
|------------------------------------|---------------------------------|
| ای آنکه در نگاهت حجمی ز نور داری   | کی از مسیر کوچه قصد عبور داری؟  |
| چشم انتظار ماندم، تا بر شبنم بتابی | ای آنکه در حجابت دریای نور داری |
| من غرق در گناهم، کی می‌کنی نگاهم؟  | بر عکس چشمهایم چشمی صبور داری   |

**وصلی الله علی محمد وآله**